

جانانان کوک:

چه کسی در انتخابات بریتانیا برای کودکان بمباران شده و گرسنه غزه مبارزه خواهد کرد؟ طبقه سیاسی و رسانه‌ای بریتانیا همدستی خود در کشتار دسته جمعی کودکان غزه را به موضوعی غیرمنتظره در مسیر انتخابات تبدیل کرده است.

هیچ کس نباید آرزو کند در جامعه‌ای زندگی نماید که در آن نسبت به قتل سیستماتیک کودکان با چیزی بیش از شانه‌ای به بالا انداختن مواجه نمی‌شود. و زمانی که رهبران منتخب در عمل به چنین حرکت مرگباری کمک می‌کنند، حتی بدتر از چنین عکس‌العملی می‌باشند. با این حال، در حالی که بریتانیا به سوی انتخابات عمومی هفته آینده حرکت می‌کند، و ایالات متحده با انتخابات ریاست‌جمهوری خود فاصله چندانی ندارد، این واقعیتی است که رای‌دهندگان این دو کشور با آن روبرو هستند.

سیاستمدارانی که برای کسب آرای ما با یکدیگر می‌جنگند، کاملاً با قتل چندماهه کودکان غزه توسط اسرائیل موافق هستند. رسانه‌های غربی نتوانسته‌اند این نامزدها را به دلیل نقش آنها در تداوم آن کشتار، تحت نظارت و حتی پرسش و بررسی‌ها قرار دهند. بربریت کنونی در قلب سیاست غرب به یک موضوع غیرقابل انکار تبدیل شده است. با این حال، ارقام کشتار غزه باید ما را تا اعماق وجود مان تکان دهند.

در نه ماه گذشته، بمب‌های اسرائیلی رسماً حداقل ۱۵۵۰۰ کودک فلسطینی و همچنین ۲۲۰۰۰ بزرگسال را کشته‌اند. تعداد واقعی کشته‌شده‌ها قطعاً بسیار بیشتر از اینهاست. غزه که توسط رهبری سیاسی و نظامی اسرائیل که مدت‌هاست هدف خود را ویران کردن این ناحیه قرار داده بود با بمباران‌های وحشیانه عملاً به عصر حجر کشانده شده است. ماه‌هاست که غزه حتی توانایی شمارش صحیح کشته‌شدگان خود را از دست داده است.

اما این تنها بخشی از تصویر این واقعیت دردناک می‌باشد. موسسه "کودکان را نجات دهید Save the Children" در این هفته فاش کرد که در این ماه‌ها ۲۱۰۰۰ کودک دیگر مفقود شده‌اند. از جمله تخمین زده می‌شود که حداقل ۴۰۰۰ کودک زیر ساختمان‌های فروریخته مدفون شده‌اند. هیچ کس از سرنوشت آنها خبری ندارد. بدون شک بسیاری از آنها در تنهایی و به علت خفه‌شدن در زیر آوار با مرگی وحشتناک روبرو شده‌اند. در این گزارش آمده که برخی از این کودکان در هنگام مرگ به قدری له و لورده شده بودند که قابل شناسایی نبودند. برخی دیگر از کودکان یتیم شده و در هرج و مرج خرابه‌های غزه گم شده‌اند. تعداد بیشتری نیز توسط سربازان اسرائیلی از خیابان‌ها ربوده شده و به یکی از مکانهای مخفی اسرائیل برده شده‌اند، اماکنی که در آنها اعمال شکنجه بسیار عادی است.

در این هفته، زمانی که اسرائیل یک مدرسه را هدف قرار داد و بسیاری از کسانی را که به دنبال سرپناه در آنجا بودند، زنده‌زنده سوزاند، کودکان بار دیگر قربانیان اصلی در این یورش شدند.

مرگ از گرسنگی

در همین حال، پس از ماه‌ها محاصره و جلوگیری از کمک‌های بین‌المللی توسط اسرائیل البته با حمایت قدرت‌های غربی، صدها هزار کودک دیگر - که در این ارقام گنجانده نشده‌اند - به تدریج از گرسنگی جان داده‌اند.

دادستان‌های دادگاه کیفری بین‌المللی (ICC) به دنبال دستگیری بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل و یوآو گالانت، وزیر دفاع وی به دلیل استفاده از گرسنگی به عنوان سلاح جنگی هستند.

هم بریتانیا و هم آمریکا به طور کامل شریک جرم در آنچه در غزه می‌گذرد هستند. آنها کمک مالی به آژانس پناهندگان سازمان ملل متحد Unrwa را که تنها راه نجات جدی در مبارزه برای تغذیه مردم غزه است، متوقف کرده‌اند. آنها این کار را بر اساس ادعاهای کاملاً غیرمستند و خودخواهانه اسرائیل مبنی بر همدستی آژانس سازمان ملل در "تروریسم" حماس انجام داده‌اند.

گزارش سازمان ملل در اوایل این ماه نشان داد که از هر ۱۰ کودک غزه، ۹ کودک فاقد تغذیه کافی برای رشد یا زنده ماندن هستند. این کودکان ممکن است — اگر موفق شوند از این قحطی مهندسی شده زنده بیرون بیایند — هرگز از نظر رشدی بهبود پیدا نکنند. اگر گرسنگی آنها را از بین نبرد، تشنگی و بیماری ممکن است این کار را انجام دهند، چرا که بخش بزرگی از توده‌های غزه در چادرهای موقت و زیر پوشش‌های پلاستیکی در گرمای سوزان تابستان جان خواهند داد. اسرائیل دو سوم زیرساخت‌های آب و فاضلاب غزه را نابود کرده و بیشتر آب موجود را آلوده کرده است. بیماری در بین کودکان با سرعت نگران‌کننده‌ای در حال گسترش است.

هفته گذشته، کمیسیون مستقلی که توسط سازمان ملل تشکیل شده است، به این نتیجه رسید که اسرائیل پس از ۷ اکتبر ۲۰۲۳ در غزه "راهبردی عمدی برای ایجاد حداکثر خسارت" - از جمله "حمله عمدی و مستقیم به جمعیت غیرنظامی" به منزله یک سیاست برای نابودی آنها — را به اجرا درآورده است.

کریس سیدوتی، بازرس سازمان ملل، گفت که تحقیقات او نشان داده است که ارتش اسرائیل "یکی از جنایتکارترین ارتش‌های جهان" است.

می‌توان درک کرد که چرا اسرائیل بسیار مشتاق است که سازمان ملل را به عنوان حامی تروریسم بدنام کند.

با ممانعت اسرائیل از ورود خبرنگاران خارجی به غزه، تهمت‌هایی که اسرائیل به سازمان ملل می‌زند به - تعداد کمی از خبرنگاران فلسطینی در غزه که اسرائیل هنوز آنها را نکشته است منتقل شده است - تا گوشه‌ای از حقیقت در مورد جنایات عجولانه اسرائیل بر ملا نگردد.

گزارش جعلی

در ماه ژانویه، دیوان بین‌المللی دادگستری (ICJ) اعلام کرد که اقدامات اسرائیل با تعریف نسل‌کشی، جنایت علیه بشریت که به وضوح در حقوق بین‌الملل مشخص شده است، مطابقت دارد. این قوانین در پی جنگ جهانی دوم برای جلوگیری از تکرار قتل سازماندهی شده غیرنظامیان که در هولوکاست مشاهده شد، وضع شدند.

اگرچه شما به ندرت این امر را از جانب سیاستمداران و رسانه‌های غربی می‌شنوید، دادگاه جهانی می‌خواهد اسرائیل را به دلیل نسل‌کشی در یک روند قانونی محاکمه کند، امری که ممکن است سال‌ها به طول بینجامد. با این حال، به جای حمایت از قوانین بین‌المللی، دولت‌های غربی از تلاش‌های اسرائیل برای تضعیف تدابیر موجود در برابر آسیب‌رساندن به کودکان و غیرنظامیان غزه حمایت کرده‌اند.

یکی از افشاگران وزارت امور خارجه ایالات متحده اخیراً اعتراف کرده که مقامات مافوق او گزارشی را برای تبرئه اسرائیل با این نتیجه‌گیری نادرست که اسرائیل امر کم‌رسانی را مسدود نکرده تغییر داده‌اند.

سیاستمداران آمریکایی و بریتانیایی در مواجهه با هشدارهای مقامات خود مبنی بر اینکه در جنایات جنگی و جنایت علیه بشریت شریک هستند، یا اینگونه گزارشات را پنهان کرده یا آنها را جعل می‌کنند. کاری که آنها انجام نمی‌دهند اقدامی برای توقف کشتار است. چه آنچه را که در غزه اتفاق می‌افتد نسل‌کشی بنامیم یا نه، بدون شک یک نمایش ترسناک است - نمایشی که به دلیل پخش مستقیم آن، نمی‌توانیم جز از طریق یک انتخاب فعال از آن دور شویم.

در این ماه، اسرائیل به فهرست سیاه سازمان ملل متحد از کشورهای بی‌اعتمادی اضافه شد که در جریان درگیری‌های مسلحانه به طور سیستماتیک از کودکان سوءاستفاده می‌کنند. جنایات جنگی اسرائیل

علیه کودکان در دوران مدرن بی‌نظیر است و بدینگونه اسرائیل در سال گذشته از جنایاتی که از جمله در جمهوری دموکراتیک کنگو، میانمار، سومالی، نیجریه و سودان رخ داده، پیشی گرفته است.

در ماه مارس، سازمان ملل گزارش داد که اسرائیل در سه سال منتهی به سال ۲۰۲۲ بیش از همه درگیری‌های مسلحانه دیگر در سراسر جهان کودکان را در غزه کشته است - از یاد نبریم که این آمار تنها در مورد کسانی است که مرگ آنها ثبت شده است.

اما خود اصطلاح "درگیری مسلحانه" در پی پنهان کردن مقصر بودن اسرائیل و همدستی غرب با این رژیم است. واقعیت آن است که این کودکان صرفاً بخشی از "آسیب جانبی" نیستند، که در آتش متقابل بین دو طرف متخاصم گرفتار شده و گشته شده‌اند.

اسرائیل ده‌ها سال است که غزه را اشغال کرده و در ۱۷ سال گذشته این ناحیه را محاصره کرده و کودکان آنجا را از ضروریات زندگی، آزادی و دوران کودکی محروم کرده است. اسرائیل در خلال آن سالها آنها را به همراه خانواده‌هایشان رها کرده بود تا در اردوگاهی غول‌پیکر بیوسند.

اکنون، پس از نقش حماس در یک شورش وحشیانه یک‌روزه در ۷ اکتبر، اسرائیل به طور دسته جمعی کودکان را در قفس خود از گرسنگی می‌کشد. کودکان غزه به دلیل امتناع حماس از ادامه خدمت برای مدت نامحدود به عنوان نگهبان اردوگاه کار اجباری مجازات می‌شوند. این "درگیری مسلحانه" تنها در منطق‌سازی‌های خودخواهانه سیاستمداران غربی و رسانه‌های حاکمیتی به حساب می‌آید.

حمایت از کشتار

اما این وحشت تنها هزاران کیلومتر دورتر، در آوار غزه وجود ندارد. این وحشت به شکل فزاینده‌ای در ذهن ما جای می‌گیرد. حمایت از قتل کودکان نه تنها در ۹ ماه گذشته به امری عادی تبدیل شده، بلکه به عنوان امری عادی تلقی می‌شود.

اسرائیل تابستان امسال در المپیک پاریس شرکت خواهد کرد؛ گویی هیچ چیز مهم و ناخوشایندی در غزه اتفاق نمی‌افتد؛ گویی جان ده‌ها هزار کودک مرده و مفقود فلسطینی بی‌اهمیت است. چه تضاد وحشتناکی با وضعیت روسیه و ورزشکاران و هنرمندان آن در لحظه‌ای که روسیه دو سال پیش به اوکراین حمله کرد. ریاکاری چنان ریشه دوانده که غرب اکنون کاملاً کور شده است. در حالی که ورزشکاران اسرائیلی با افتخار زیر پرچم ملی خود در فرانسه به رقابت خواهند پرداخت، ورزشکاران روسی تنها به شرطی اجازه ورود خواهند داشت که ابتدا کشور خود را انکار کنند.

پاسخ دانشگاه‌های غربی در مواجهه با معترضان دانشجویی که از کشتار غزه خشمگین شده‌اند، این است که از اهمیت اقتصادی تولیدکنندگان اسلحه که اسلحه‌های مورد استفاده برای کشتن کودکان را به اسرائیل عرضه می‌کنند، صرف‌نظر نکنند. پاسخ این است که گروه‌های ضربتی تشکیل شود تا هرچه شدیدتر زبان معترضان را کنترل کنند تا از ناراحتی تعداد کمی از حامیان اسرائیل که این کشتار را تشویق می‌کنند، جلوگیری شود.

نسل‌کشی غزه آنقدر سریع به سر و صدای پس‌زمینه تبدیل شده که هیچ‌کس در مسیر مبارزات انتخاباتی بریتانیا، از جمله رسانه‌های ظاهراً بی‌باک "سگ دیده‌بان"، احساس نیاز نمی‌کند که به آن اشاره‌ای کند.

در "مصاحبه بزرگ" آخر هفته گاردین با کیر استارمر، از نخست‌وزیر آینده کشور درباره غزه و یا اینکه آیا قصد دارد به کمک بریتانیا برای تبدیل آن به اردوگاه مرگ پایان دهد، پرسشی مطرح نگردید.

به رهبر حزب کارگر اجازه داده شد، بدون هیچ چالشی، از حزب محافظه کار حاکم انتقاد کند که انگار "دیگر مهم نیست در صحنه بین‌المللی چه کار می‌کنید". اما اشاره استارمر به غزه یا نسل‌کشی

محتمل در آنجا نبود. او به دلیل ترک زود هنگام مراسم بزرگداشت روز حمله متفقین به آلمان از نماندی در این ماه، امتیاز سیاسی آسانی را در برابر حریف خود، ریشی سوناک، به دست آورد.

تنها اشاره‌ای که به غزه داشت، مصاحبه‌کننده‌ای بود که پس از اینکه معترضان کفش‌های کودکان را بیرون از خانه استارمر گذاشتند - که نماد حمایت استارمر از کشتار در آنجا بود - نسبت به امنیت خانواده او ابراز نگرانی کرد.

استارمر در سه مصاحبه جداگانه پاسخ داده بود که با سیاست اعلام‌شده اسرائیل برای محروم کردن فلسطینیان از سوخت، غذا و آب - چیزی که سازمان ملل و آنچه کارشناسان حقوقی استفاده اسرائیل از "گرسنگی به عنوان سلاح جنگی" تشخیص داده‌اند، موافق است. در حقوق بین‌الملل، چنین اقداماتی به عنوان مجازات دسته‌جمعی شناخته شده و به عنوان جنایت علیه بشریت تلقی می‌شود. در مقابل، استارمر، یک وکیل مشهور حقوق بشر، به دنبال تعریف مجدد گرسنگی کودکان به عنوان "حق اسرائیل برای دفاع از خود" بود. گاردین نتوانست او را در مورد این قسمت یا هر قسمت دیگر در مورد غزه به چالش بکشد.

آیا استارمر ارسال سلاح به اسرائیل را متوقف خواهد کرد؟ آیا یک "دولت کارگری" خواهان بازگرداندن بودجه به Unrwa است؟ آیا استارمر از واشنگتن سرپیچی کرده و علناً خواستار آتش‌بس واقعی می‌شود؟ آیا او اسرائیل را تحریم خواهد کرد؟ و آیا او به پرونده نسل‌کشی آفریقای جنوبی علیه اسرائیل خواهد پیوست؟

در پروسه امتداد یک نسل‌کشی محتمل که بریتانیا به طور فعال در آن شریک بوده است، به نظر می‌رسد این پرسشها بسیار مناسب باشند زیرا رأی‌دهندگان می‌توانند تصمیم بگیرند که کدام رهبر حزب شایسته حمایت آنهاست. مخالفت با کشتار کودکان باید حداقل آزمونی برای شخصیت سیاسی و اقتدار اخلاقی باشد.

شورش سیاسی

دلیل خوبی وجود دارد که چرا روزنامه‌نگاران چنین پرسشهایی را در برابر استارمر مطرح نمی‌کنند: طبیعتاً که تعداد کمی از رأی‌دهندگان به حزب کارگر پاسخ‌های او را تأیید می‌کنند.

در مواجهه با حزب حاکم محافظه‌کار که در حال فروپاشی است، میلیاردرهای صاحب رسانه‌ها استارمر را به عنوان دستی امن انتخاب کرده‌اند، فردی که بهترین نامزد برای مطیع نگه داشتن رأی‌دهندگان است؛ فردی که در حالی که ریاضت‌های اقتصادی به توده‌ها ادامه دارد، انتقال ثروت به سمت بالا، به شرکت‌های بزرگ را تضمین می‌کند.

سازمان‌های رسانه‌ای نمی‌خواهند استارمر را به عرصه حقوق بین‌الملل برگردانند، جایی که همفکری او با قدرتمندان و تبعیت مطلق او از اهداف واشنگتن برای تسلط جهانی و همدستی او با جنایات جنگی کاملاً آشکار می‌شود.

اگر قرار باشد استارمر یا مابقی سیاستمداران بریتانیا به خاطر تشویق‌هایشان از جنایات اسرائیل پاسخگو باشند، این امر مسلماً از طریق رسانه‌های سرمایه‌داران انجام نخواهد گردید.

در حوزه انتخاباتی استارمر، در لندن، صدایی تنها در تلاش است تا آنچه مهم است را به رأی‌دهندگان یادآوری کند: اینکه رهبر حزب کارگر برای رهبری دولت بریتانیا مناسب نیست.

آندرو فاینشتاین، یک فعال حقوق بشر یهودی که در کنار نلسون ماندلا و کنگره ملی آفریقا (ANC) علیه رژیم آپارتاید آفریقای جنوبی جنگید، در حال رقابت برای کرسی استارمر در هولبورن و سنت پانکراس است. کشتار غزه و همدستی رهبر کارگر در آن در خط مقدم مبارزات انتخاباتی او قرار دارد.

نامزدهای دیگر احزاب کوچک، مانند حزب کارگران به رهبری جورج گالووی و کریگ موری، سفیر سابق بریتانیا در بلک برن، در تلاش هستند تا همین کار را علیه نامزدهای حزب کارگر که از عادی‌سازی کشتار جمعی کودکان غزه حمایت می‌کنند، انجام دهند.

جرمی کوربین، رهبر سابق حزب کارگر، از حامیان دیرینه حقوق فلسطینی‌ها که توسط استارمر از حزب بیرون رانده شده بود، یکی دیگر از تعداد فزاینده‌ای از مستقل‌هاست که مصمم به متمرکز نگه داشتن تمرکز بر غزه می‌باشد.

اینها نشان‌دهنده سرآغاز یک شورش سیاسی هستند، امتناع از تسلیم شدن به یک سیستم دوحزبی تقلبی که فقط به نامزدهایی اجازه می‌دهد که در برابر منافع نخبگان ثروت غرب سرمایه‌گذاری شده در جنگ و دزدی منابع سجده کنند.

طبقه سیاسی ما ممکن است روح خود را در یک پیمان فوستی فروخته باشد، جایی که مرگ کودکان بهای پیروزی قدرت است. بقیه ما نباید به این داد و ستد احمقانه رضایت بدهیم. ما نباید به خودمان اجازه دهیم مانند رهبرانمان به پوسته‌های توخالی اخلاقی تبدیل شویم.

کودکان غزه که چند ماه است بمباران می‌شوند و به تدریج از گرسنگی می‌میرند، به یک ناجی نیاز دارند. چه کسی در این راه به جلو خواهد رفت؟

برگردان به فارسی از نادر ثانی

۲۷ ژوئن ۲۰۲۴، برابر با ۷ تیرماه ۱۴۰۳